

بررسی رابطه بین عملکرد خانواده و بحران هویت نوجوانان خمینی شهر

در سال ۱۳۸۸

دکتر محمد رضا ابروانی^۱

سلیمه یوسفی حمیدی^۲

چکیده

بسیاری از مشکلات دوران نوجوانی ریشه در چگونگی گذر وی از بحران هویت دارد و چنانچه ابعاد گوناگون این دوران مهم زندگی به دقت مورد مطالعه قرار گیرد و نوجوان با آگاهی کامل این دوران را سپری کند، مصونیت وی در برابر آسیب‌های اجتماعی افزایش خواهد یافت و به سهولت هویت موفق را احراز خواهد کرد، افراد نمونه در این پژوهش ۳۵۰ نفر از نوجوانان منطقه یک شهرداری خمینی شهر می باشند، از نظر موضوع روش این تحقیق از نوع توصیفی - همبستگی می باشد، در این روش پژوهشگر سعی دارد آن چه را که هست راحت و بدون هیچ گونه دخالتی یا استنتاج ذهنی گزارش دهد و نتایج عینی از موقعیت بگیرد، ابزار مورد استفاده در این تحقیق آزمون عملکرد خانواده و تست هویت می باشد که به صورت تصادفی ساده در اختیار افراد جامعه مورد مطالعه قرار گرفته است.

نتایج تحقیق نشانگر آن است که بین هویت با کارکردهای خانواده، نوع روابط خانوادگی، توانایی حل مشکلات خانوادگی و میزان کنترل رفتار رابطه معناداری وجود دارد ولی بین آمیزش عاطفی با بحران هویت رابطه معناداری مشاهده نشد.

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

E- Mail: iravani@iaukhsh.ac.ir

۲- مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد محمودآباد.

واژگان کلیدی: عملکرد خانواده، کارکردهای خانواده، روابط خانوادگی، آمیزش

عاطفی، بحران هویت

مقدمه

هویت حالتی است غیر قابل توصیف. هویت صرفاً یک احساس است، نوعی احساس استقلال این که یک من با یک مای مبهم و حتی ناشناخته وجود دارد، احساس هویت معمولاً ریشه‌های واقعی دارد و بسیاری از این ریشه‌ها قابل کشف هستند ولی همیشه این نکته باقی است که آن ریشه‌های واقعی و این احساس هویت رابطه ضروری لزومی ندارد و همیشه همراه هم نیستند. نمونه این امر، احساس هویت ملی است. این احساس را گروهی به سرزمین، نژاد، خون، زبان، دین و امثال آن‌ها باز می‌گردانند، ولی احساس هویت ملی گاه بدون برخی از آن‌ها ظاهر می‌شود. هم‌چنین می‌توان گفت که سرزمین یا زبان یا دین واحد می‌تواند خود، نشأت گرفته از احساس هویت یکی بودن یا یک ملت واحد بودن باشد.

خانواده یک نهاد اجتماعی است و هیچ نهادی در تاریخ و فرهنگ و تمدن انسانی به اندازه آن قدمت ندارد. خانواده سنگ بنای جامعه بزرگ انسانی است و در روابط اجتماعی و رشد تعالی یکایک اعضای جامعه نقش بنیادین دارد. تلاش در جهت استحکام خانواده ارج نهادن به ارزش‌های پایه‌دار زندگی مشترک در خانواده و روابط درون این نهاد اجتماعی، زمینه را برای سلامت اخلاقی و سلامت عمومی مردم یک جامعه فراهم می‌کند. خانواده هم‌چون صدفی است که اگر پایه‌های آن سنجیده و درست نباشد هرگز مرواریدی نخواهد پرورید. خانواده تنها در تامین و رفع نیازهای مادی و اقتصادی و تداوم نسل نیست بلکه حس مشارکت و تفاهم برای وسعت نگرش و امکان دستیابی به فرصت‌های بیشتر است (رضایی، ۱۳۷۸).

نیاز به احساس هویت از شرایط هستی انسان سرچشمه می‌گیرد و منبع شدیدترین کوشش‌ها و کشش‌هاست، چون شخص بدون احساس «من» بودن نمی‌تواند از سلامت روانی برخوردار باشد. لذا برای به دست آوردن «من» از هیچ کاری فروگذار نیست. این نیاز در فراسوی میل شدید به موقعیت اجتماعی و انطباق نهفته است و گاهی

شدیدتر از میل به ادامه‌ی زندگی جسمی است. مردم زندگی خود را به خطر می‌اندازند، از عشق خود صرف نظر می‌کنند، از آزادی خود چشم می‌پوشند، فکر و اندیشه‌ی خود را فدا می‌کنند تا جزئی از گروهی شوند و در نتیجه احساس هویت کنند. نیاز به پیوند، ریشه داشتن و اعتلا از لحاظ ابراز هویت آن‌چنان حیاتی است که اگر انسان نتواند این نیاز را به طریقی تأمین کند، سلامت روحی هم نخواهد داشت (فروم، ۱۳۷۰: ۸۶-۸۵).

روان‌شناسان از بحران هویت فرد و جامعه تعریف‌های متفاوتی ارائه داده‌اند. برای مثال «عدم موفقیت نوجوان» در شکل دادن به هویت فردی خود، اعم از این که به علت تجارب کودکی یا شرایط نامساعد فعلی باشد، بحرانی ایجاد می‌کند که بحران هویت یا سرگشتگی نام دارد» (شرفی، ۱۳۷۸: ۱۸).

یکی از مهم‌ترین وظایفی که در خانواده نقش بسیار مهمی دارد توجه به فرزندان مخصوصاً جوانان می‌باشد. اگر هویت شخصیتی نوجوان در طی زمان و بر اساس تجربیات حاصل از برخورد اجتماعی شکل بگیرد و بتوانند خود را بشناسند و از دیگران جدا سازند، تعادل روانی وی تضمین می‌شود، ولی اگر سرخوردگی و عدم اعتماد جایگزین اعتماد گردد و نوجوان به جای تماس با مردم گوشه‌گیر و منزوی شود و به جای تحرک به رکود گراید و به جای خودآگاهی و تشکیل هویت مثبت، دچار ابهام در نقش خود شود، هماهنگی و تعادل روانی وی به هم می‌خورد و به بحران هویت دچار می‌شود. تحول بلوغ تصویر ذهنی از بدن و هویت شخصی نوجوان را دگرگون می‌کند. نوجوان با در نظر گرفتن تجربیات گذشته و برخورد با تحولات بلوغ می‌خواهد هویت خویش را از نو بازسازی کند. مخالفت و ستیز نوجوانان با والدین خود و عصیان آنان در برابر ارزش‌ها و قدرت‌ها و دخالت‌های دیگران برای تثبیت هویت و جدا نمودن هویت خویش از سایرین است؛ این عملکرد خانواده‌ها می‌باشد که به جوانان شخصیت می‌دهد. چرا که تعیین‌کننده سرنوشت واقعی هر نوجوانی خانواده او می‌باشند (احمدی، ۱۳۷۹).

بحران هویت نیز به وضعیتی گفته می‌شود که فرد یا جامعه، هوشیاری و آگاهی لازم را نسبت به خود از دست بدهد و حالت مردد و ناپایدار به خود بگیرد (ربانی، ۱۳۸۱: ۲۳).

رابرت، کی، مرتون کوشیده است تا بی‌هنجاری را به انحراف اجتماعی ربط دهد. او می‌گوید: فرد در نتیجه فراگرد اجتماعی شدن، هدف‌های مهم فرهنگی و نیز راه‌های دستیابی به این هدف‌ها را که از نظر فرهنگی و نیز راه‌های دستیابی به این هدف‌ها را که از نظر فرهنگی مورد قبول باشند، فراموش می‌کند. هرگاه راه‌های مقبول دستیابی به این هدف‌ها برای فرد فراهم نباشد و او ناچار شود راه‌های دیگری در پیش گیرد، رفتاری ممکن است از مدها مانند هوس‌های اجتماعی بی‌ثبات و غیرمنطقی‌اند. مدگرایی نشان دهنده تزلزل و بحران هویت اجتماعی افراد جامعه است. در این وضعیت جامعه دچار انحراف شده است و افراد سعی می‌کنند خود را به یک نوع مدل و گرایش نسبت دهند تا بدین وسیله هوس‌های خود را ارضا کنند. فرد سرزند که به انحراف اجتماعی بینجامد (ثلاثی، ۱۶۵).

اولین قدم پیش‌گیری از بحران‌ها و آسیب‌های اجتماعی، جهت‌دهی و سامان‌دهی روش‌های تربیتی و امور اجتماعی براساس ارزش‌ها و هنجارهای دینی است. دین زندگی را معنی‌دار و هدفدار می‌کند، به شکلی که انسان بدون این که زندگی را به عنوان یک هدف اصلی بنگرد، در عین حال از زندگی لذت برده، آن را وسیله تقرب به سعادت قرار می‌دهد. دین انسان را از سردرگمی و رنج که همواره گریبان‌گیر انسان‌هاست، نجات می‌دهد (همیلتون، ۱۳۷۷: ۲۷۷).

پیشینه تحقیق

تحقیقی تحت عنوان عملکرد خانواده و پذیرش اجتماعی انجام شده است که این تحقیق توسط عزت‌اله قاسمی در سال ۱۳۷۹ انجام شده است. نتایج تحقیق نشان داده است، والدین و نوجوانان درباره ضوابط نوجوانان والدین و عملکرد خانواده با رشد رفتاری و درونی خودشان مطابق بوده است و دریافتند که مطلوبیت پایین عملکرد

خانواده مجموعاً با رشد رفتاری بالا و بلوغ روان‌شناختی نوجوان همراه است (قاسمی و دیگران، ۱۳۷۶).

تحقیقی دیگر توسط مریم محمدی در سال ۸۰ تحت عنوان روابط والدین با فرزندان و ارتباط آن با هویت فرزندان‌شان انجام شد. نتایج این تحقیق نشان داد که روابط ناشیست والدین با یکدیگر و نداشتن عملکرد مناسب و مثبت از خانواده‌ها باعث از خود بیگانگی و بحران هویت در نوجوان می‌شود.

شکل‌گیری هویت در نوجوانان و جوانان

با فرا رسیدن دوران بلوغ زندگی آرام و بی‌دغدغه دوران کودکی به پایان می‌رسد. ابتدا نوجوان تصویر ذهنی خاص از بدن خویش را پیدا می‌کند. این تصویر ذهنی با تصویری که فرد از خود در آینده می‌بیند متفاوت است و شامل برداشت بدنی همراه با برداشت ذهنی است. هرگونه نقص بدنی برداشت ذهنی نوجوان را از بدن خویش مختل می‌کند. پسرانی که در رشد بدنی آنان تأخیر بیفتد، تصور می‌کنند که دارای نقص ژنتیکی هستند. چاقی مختصر و تغییر در یکی از اعضای بدن تاثیر فراوانی در شخصیت نوجوان می‌گذارد. استولز در تحقیقات خود نشان داد که هشت درصد از پسران در اثر کوتاه بودن قد خود احساس حقارت می‌کنند. سیزده درصد از دختران بر اثر بلند نبودن قد خود دچار احساس افسردگی می‌شوند.

کولب تصویر ذهنی را به درک بدنی و فهم بدنی تقسیم نموده است. درک بدنی عبارت است از: «برداشتی که فرد از بدن خویش دارد، فهم بدنی مربوط به درونی نمودن احساساتی است که فرد در مورد شخصیت خود از داخل و خارج کسب می‌کند». به عبارت دیگر درک بدن شامل برداشت فیزیکی از خود است. در صورتی که فهم بدنی برداشت فیزیکی همراه با قضاوت دیگران در مورد بدن خود است و در آن ارزیابی فرد و دیگران قرار دارد.

تصویر بدنی را به صورت دیگری نیز دسته‌بندی کرده‌اند:

اول، تصویر واقعی از بدن که تقریباً همانند درک بدنی است. در تصویر واقعی، فرد خود را همان‌گونه که هست دریافت می‌کند. دوم، تصویر ایده‌آل از بدن است. در این

تصویر نوجوان خود را آن‌گونه که مناسب‌تر می‌داند و دلخواه اوست می‌پندارد. در تصویر ایده‌آل آرزوها و خواسته‌های پنهانی فرد نهفته است و هم‌چنین بلند پروازی‌ها و تمایلات سرکوفته در آن قرار دارد.

سوم، تصویر خیالی است، این تصویر را نوجوان در عالم خیال برای خود ترسیم می‌کند. تفاوت آن با تصویر ایده‌آل این است که در تصویر ایده‌آل فرد آن‌چه را برای خود مناسب می‌داند و اگر تلاش کند می‌تواند به آن برسد، ایجاد می‌کند. ولی در تصویر خیالی خود را در نقش‌های خیالی می‌یابد. نقش‌های خیالی غالباً برای فرد غیر ممکن است و شاید مناسب‌ترین هم نباشد.

مطالعات پژوهش‌های فمینیستی هم حاکی از آن دارد که کودکان توقعات و انتظارات خود را از سنین بسیار کم شروع به پرورش می‌کنند و در این راستا تحت تأثیر شدید رفتار والدین خود و سایر نزدیکان قرار می‌گیرند و خانواده به شیوه‌های ظریف متعددی به معنایی که فرد از خودش و چشم اندازی که نسبت به زندگی پیدا می‌کند شکل می‌دهد و جامعه نیز به همین طریق این برداشت‌ها را در طول زمان در آن‌ها تقویت می‌کند (مور، ۱۳۷۶: ۳۲-۳۱).

آموزش و بحران هویت

امروزه نقش تعلیم و تربیت در اصلاح فرد جامعه چنان بارز است که هیچ کشوری را در جهان نمی‌توان یافت که بدون بهره‌مندی از آن توانسته باشد به مراحل رشد و توسعه، به ویژه در زمینه حل مشکلات اجتماعی خود دست بیابد. توجه به تکوین هویت و چگونگی حفظ آن و برطرف کردن عوامل ایجاد بحران هویت، به ویژه در نوجوانان و جوانان امری است حیاتی که بایستی از طریق آموزش و به وسیله نهادهای تربیتی و در درجه اول خانواده و آموزش و پرورش اعمال شود (ربانی، ص ۵۵).

والدین بی‌تفاوت در مورد کودک، دارای فرزندانی غمگین و گریزان از فعالیت‌های اجتماعی خواهند داشت. در این مورد مثال‌های فراوانی وجود دارد که با مشاهده عمیق در رفتار والدین نسبت به کودک می‌توان آن‌ها را نتیجه‌گیری کرد (رمضان زاده

کار نهادهای تربیتی، پرورش انسان با کفایت، متعادل و موزونی است که از هر افراط و تفریطی منزّه، پاک و میر است. انسان‌های متعادلی که نه سنت‌گرای محض باشند و بیزار از نوآوری و نه تجددگرای سنت‌ستیز، نه سیاست‌گریز باشند و منزوی، و نه سیاست‌زدگانی دین‌گریز، بلکه باید جوانان و نوجوانان را طوری آموزش دهند و تربیت کنند که به خوبی و مهارت بتوانند سنت را در کنار تجدد، استدلال را در کنار نص، عقل را در کنار نقل، فرد را در کنار جامعه، سیاست را در کنار فرهنگ، آزادی را در کنار عبودیت و علم را در کنار دین، قرار دهند. زیور دانش را به حلیه تقوا آذین بخشند، دینداری را کهنه‌پرستی ندانند و نوآوری و خلاقیت را مساوی بی‌دینی نشمارند. آزادی را در مقابل دین قرار ندهند و دینداری را مخالف آزادی ندانند. آزادی را گوهری برای صیقل‌اندیشه‌ها بدانند و آن را بی‌قید و شرط و لابلالی‌گری ندانند. آزادی را توطئه ندانند و توطئه را آزادی نخوانند. نه اهل تحجر و جمود و خشکی باشند و نه اهل تأویل و التقاط و خود رأیی. نه از گذشته و اصالت‌هایش گسسته شوند و بیزاری جویند و نه به گذشته خویش، هرچند مقدس، اکتفا و بسنده کنند. نه متعصب و خشک و غیر منعطف باشند، نه گرفتار اباحه‌گری و بی‌تفاوتی شوند. نه تحمیل عقیده کنند و نه عقیده تحمیلی را پذیرا باشند. در پرورش متعادل و موزون، روش ایجابی و اثباتی، بر روش منع و سلب ترجیح دارد و در مواجهه با فرهنگ‌های مهاجم، گوهرجان آینده‌سازان را از فرهنگ و تمدن خودی لبریز می‌کند (مظفر، ۱۳۷۹: ۷۴).

عوامل متعددی در شکل‌گیری هویت نوجوانان دارای نقش و اهمیت هستند. از جمله این عوامل می‌توان به خانواده، مذهب، مدرسه، محل زندگی، نهادهای اجتماعی و مذهبی و رسانه‌های گروهی اشاره کرد (احمدی و دیگری، ۱۳۸۰).

حل موفقیت‌آمیز بحران هویت در برابر سردرگمی، به فرایندهای کاوشگری و تعمد بستگی دارد که بر رشد روان‌شناختی و روابط بین فردی نوجوان تأثیر می‌گذارد. فرایندهای اجتماعی و روانی در متن روابط بین فردی رخ می‌دهند. زیرا رابطه والدین نوجوان از اهمیت خاصی برخوردار است و یکی از پایدارترین میکرو اکولوژی‌ها را برای رشد هویت نوجوان فراهم می‌کند. اعضای خانواده که در این اکولوژی باهم در

تعامل هستند، بر شکل‌گیری هویت نوجوان تأثیر می‌گذارند (گروتوانت و کوپر، ۱۹۸۶).

نوجوانانی که هویت محکمی به دست می‌آورند، علاوه بر این که از حمایت‌های عاطفی محکم و آزادی کافی در محیط خانواده برخوردارند، اجازه هم پیدا می‌کنند که فردیت خود را حفظ کنند و بروز دهند. وقتی کودک اجازه پیدا کند نظرات خود را حتی اگر مخالف نظرات والدینشان باشد، به راحتی ابراز کند و والدین غیر عقاید آنان را به دیده احترام بنگرند و در عین حال نظم و کنترلی متعادل در خانواده برقرار سازند و بر موفقیت‌های تحصیلی فرزندان خود تأکید ورزند و آنان را در این راه تشویق کنند، طبعاً رشد هویت نوجوانان در چنین خانواده‌هایی نیز با موفقیت همراه خواهد شد. این که نوجوان برای بررسی احتمالات متفاوت دست یافتن به هویت، تاجه حدی آزادی عمل دارد، به شدت تحت تأثیر روابط درون خانواده است (لطف‌آبادی، ۱۳۷۸).

هویت‌یابی و شخصیت

رشد شخصیت و هویت‌یابی انسان حاصل یک روند همیشگی و دائماً متحول در حیات فرد و در برگیرنده تلاش انسان برای کنار آمدن با مسائل مربوط به مراحل مختلف رشد اوست، مستقل از این که شخصیت را چگونه تعریف می‌کنیم، درک این نکته بسیار مهم است که این‌ها مقولاتی ایستا و ناب نیستند. بلکه در حوزه فرهنگی که فرد در آن زندگی می‌کند شکل گرفته و دائماً تحول می‌یابند. از سوی دیگر باید در نظر داشت که هر نوع تلاش انسان برای پیمودن این روند در واقع به معنای ایجاد تغییر در توابع فرهنگی جامعه نیز هست. بنابر نظریات اریکسون (۱۹۷۸) انسان از بدو تولد تا رسیدن به سن پیری هشت مرحله مختلف رشد هویت را پشت سر می‌گذارد و در هر مرحله ملزم به پاسخ‌گویی به نیازها، جریان اصلی و بحران‌های خاص هر دوره است تا در کنار آمدن با این‌ها بتواند هر مرحله را با سلامت و بشاشیت پشت سر بگذارد و به مرحله بعدی برسد. چگونگی پاسخ دادن به مسائل هر دوره تعیین‌کننده‌ی آن است که انسان با مسائل دوره بعدی چه طور روبرو شود. بنابراین یکی از راه‌های شناختن هر

فردی، بررسی این موضوع است که وی در هر کدام از مراحل رشد تاکنونش چگونه با مسائل و بحران‌های آن دوره روبرو شده و چه‌طور با آن‌ها کنار آمده است؟ آیا قادر به حل کامل مسائل هر دوره بوده است؟ هر فردی برای کنار آمدن با مسائل خاص هر دوره از رشد هویت فردی‌اش تحت تاثیرات روابط متقابل «عوامل زیستی»، «عوامل روانی» و «توابع اجتماعی - فرهنگی» جامعه‌ای که در آن پرورش می‌یابد هدایت می‌شود. عوامل زیستی در برگیرنده‌ی مجموع غرایز و انگیزه‌های ارگانیک انسان است که به‌طور اکتسابی به او می‌رسند در حالی که عوامل روانی و اجتماعی - فرهنگی تحت تاثیر مجموعه‌ای از روابط کودک با محیط شکل گرفته و پرورش می‌یابند. به این معنا هر انسانی روند هویت‌یابی فردی خود را تحت تاثیر سه جهان زیستی، روانی و فرهنگی ساخته و می‌پرورد. اریکسون (۱۹۷۸) در تحقیقات خود پیرامون چگونگی رشد هویت انسان در مراحل سنی مختلف از این هشت مرحله نام می‌برد و برای هر کدام اصلی‌ترین جریان رشد حاکم در هر مرحله را که باید به هر کدام جوابی در خور آن‌ها داد، به این شرح ارائه می‌دهد: در مرحله اول که از بدو تولد تا یک سالگی را شامل می‌شود، کودک نیاز به کسب امنیت خاطر و اعتماد اولیه در برابر احساس ناامنی و عدم اعتماد را دارد.

در مرحله دوم که در برگیرنده‌ی سنین یک الی سه سالگی است کودک را در جریانی قرار می‌دهد که نیازمندی اصلی رشد سالم آن عبارت خواهد بود از کسب احساس تکیه دادن به خود در برابر احساس خجالت و تردید.

مرحله سوم شامل سنین سه تا پنج سالگی می‌شود در این سنین کودک باید بتواند توانایی ابتکار فردی را در برابر گناه تجربه کند.

مرحله چهارم در برگیرنده سنین شش تا یازده سالگی است اصلی‌ترین جریانی که کودک باید بتواند در این مرحله با آن کنار بیاید کسب کارآئی در برابر احساس ناتوانی و حقارت است.

در مرحله پنجم در سنین ۱۲ تا ۱۸ سالگی نوجوان رفته رفته نسبت به هویت خود آگاهی کسب می‌کند و باید بتواند در مقابل بی‌هویتی و سرگردانی به احساس هویت فردی دست بیابد.

مرحله ششم سنین ۱۹ تا ۳۵ سالگی می‌باشد. این مرحله شروع دوره‌ای است که جریان رشد روانی و مشارکت با دیگران در برابر احساس انزوا است.

مرحله هفتم: در برگیرنده سنین ۳۵ سالگی الی ۶۰ سالگی است که در این دوره بارآوری انسان آغاز می‌شود و جریان اصلی رشد روانی این دوره رسیدن به احساس بارآوری در برابر بی‌حاصلی است.

در مرحله هشتم که از سن شصت سالگی به بعد شروع می‌شود، انسان باید بتواند به احساس کمال در برابر احساس سرخوردگی و یاس ناشی از ناکامی دست بیابد.

هویت‌ها و من‌ها، در داخل خانواده رشد و پرورش می‌یابند. براساس تحقیقات انجام‌شده، خانواده‌هایی که به رشد عقلانی و اخلاقی و تحول خود و هویت خود کمک می‌کنند، خانواده‌هایی هستند که بر تحقیق و اکتشاف تأکید دارند، بافت ایمنی که محدودکننده نباشد به وجود می‌آورند، فرصت‌هایی برای برقراری ارتباط ایجاد می‌کنند و خود مختاری و استقلال را مجاز می‌دانند و تشویق می‌کنند (گروتوانت و کوپر، ۱۹۸۵)

بحران هویت

برخی دیگر از اندیشمندان در توصیف بحران هویت آورده‌اند: «جدی‌ترین بحرانی که یک شخص با آن مواجه می‌شود، در خلال شکل‌گیری هویت رخ می‌دهد. این بحران به آن جهت جدی است که عدم موفقیت در رویارویی با آن، پیامدهای بسیار دارد. شخصی که فاقد یک هویت متشکل است، در خلال زندگی بزرگ‌سالی خود با مشکلات متعدد مواجه خواهد شد. اریکسون خاطر نشان می‌سازد که برای هر فرد امکان دارد بحران هویت روی دهد و این بحران منحصر به دوره نوجوانی و جوانی نیست» (شرفی، ۱۳۸۱).

خانواده و بحران هویت

هنگام زندگی در غربت نوجوان ایرانی مجبور است کشاکش فرهنگی جدی‌ای را از سر بگذرانند. در برخورد با مسائلی که از زاده‌های این کشاکش فرهنگی هستند، جایگاه و معنای خانواده دستخوش تغییراتی می‌شود که برای یک دوره نسبتاً طولانی برای پاسخ‌گویی به مشکلات رشد روانی نوجوان را با مشکلات جدی روبرو می‌کند. وقتی که خانواده ارزش بسیاری بر آن می‌گذارد تا مدافع قاطع و بدون چون و چرای «فرهنگ ایرانی باشد» خود به خود در ابتدای این دوره، نوجوان این آتوریت را می‌پذیرد و در سنگر خانواده و به عنوان یک گروه در مقابل فرهنگ جامعه بیرون ظاهر می‌شود. در این دوره خانواده برای نوجوان محلی را می‌یابد تا بتواند به محض لمس دشواری‌های زندگی در این جامعه و به مجرد روبرو شدن با مسائل جاری زندگی دیگران، به خانواده پناه ببرد. در این حال خانواده برای نوجوان حکم «حمایت اجتماعی» را می‌یابد (ساراسون، ۱۹۸۵) و به یک سپر دفاعی در برابر جامعه تبدیل می‌شود. طبیعی است که حمایت عاطفی خانواده، برای نوجوان نوعی آرامش خاطر را به همراه می‌آورد که بسیار هم ضروری و لازم است. چنانچه نوجوان خود را در خانواده به عنوان موجودی دوست داشتنی، مهم و با ارزش می‌یابد و این حساس به وی نوعی «خاطر امن» می‌بخشد. ولی ظهور خانواده به عنوان گروه مدافع فرهنگ خودی در برابر فرهنگ غیرخودی، مسائلی را برای جهت‌گیری رفتار نوجوان به دنبال می‌آورد که به دو مورد آن‌ها اشاره می‌کنیم.

اول این که با این کار مرز بین فشارهای روانی خاص زندگی در غربت به معنای استرس‌هایی که زاده عوامل محدودکننده بیرونی هستند و فشارهای روانی عادی رشد که حاصل رو در رویی با سئوالات اساسی رشد در آن مرحله‌اند، به سادگی مخدوش شده و با هر دوی آن‌ها به عنوان فشارهایی بیرونی برخورد می‌شود که در این حال مشکل اصلی نادیده گرفته می‌شود و حل منطقی آن ناممکن می‌گردد. برای مثال این نکته را می‌توان در نظر گرفت که حل ناتمام و یا ناقص سئوالات رشد کودک تا رسیدن به مرحله نوجوانی، نظیر «کسب احساس تکیه به خود» در برابر احساس خجالت

و تردید، که مربوط به دوره‌ی دوم رشد روانی است، بقای خود را در دوره‌ی نوجوانی هم بروز می‌دهد و این نکته هم برای مثال ارتباط‌گیری با دیگران را تحت شعاع خود قرار داده و میل به انزوا را در نوجوان تشدید می‌کند. در این حال امکان این که وجود این احساس انزواطلبی بیش از حد را به سردی عاطفی فرهنگ آلمانی نسبت بدهیم بسیار زیاد خواهد بود که در این حال برای پس زدن این احساس راهی باقی نمی‌ماند به غیر از پناه بردن بیشتر به خانواده و تشدید کردن تمایل به انزوا از محیط بیرون. درحالی که با تشخیص درست زمینه‌های شکل گرفتن این احساس می‌توان راهی برای ترمیم آن به وجود آورد. مساله دوم خود را در پی این نکته نمایان می‌کند که گفته شد. در این دوره نوجوان نیاز به کسب استقلال عاطفی از خانواده دارد. ولی در این کشاکش فرهنگی که خانواده یک طرف آن است، نوجوان در برخورد با محیط بیرون از خانواده از طرفی محیط بیرون را نفی می‌کند و از سوی دیگر (به دنبال ضرورت مقایسه اجتماعی برای کسب هویت) نیاز دارد تا خود را به آن نزدیک کند. الگوهای همانندسازی که نوجوان در پذیرش نقش‌های آینده‌اش از آن‌ها تبعیت می‌کند (مثل طرف‌داری از افراد موفق که نوجوان خود را با آن‌ها مقایسه می‌کند) متعلق به گروه مقایسه‌ای در جامعه‌ای هستند که نوجوان در آن زندگی می‌کند. گرایش به نقش‌پذیری اجتماعی از یک سوی و نفی فرهنگی از سوی دیگر خواه ناخواه نوجوان را در برابر خانواده و فرهنگی قرار می‌دهد که خانواده مدافع آن است. در این حالت مشاهدات نشان می‌دهند که برشی غیرمنطقی از خانواده پیش می‌آید. چرا که خانواده با توابع فرهنگی که از آن دفاع می‌کند، توان پاسخ‌گویی به نیازهای جهت‌گیری هویت نوجوان را هنگامی که وی خود را با گروه‌های هم‌سن خود در این جامعه مقایسه می‌کند، ندارد و فرهنگ ایرانی نیز ارزش و هویت در این جامعه ندارد.

دیدگاه جامعه‌شناختی

در میان دیدگاه‌های جامعه‌شناختی، نظریه‌ی کنش متقابل نمادین، بیش از دیگر دیدگاه‌ها مسئله هویت و شکل‌گیری آن را مورد مطالعه و تحلیل قرار داده است. براساس این دیدگاه، معناها به‌طور کلی و هویت به‌طور خاص در جریان روابط متقابل

با دیگران شکل می‌گیرد. جرج هربرت مید، نظریه پرداز برجسته این دیدگاه، نظریات بدیعی در زمینه‌ی هویت ارایه می‌دهد. اگر بپذیریم که هویت پاسخی است به پرسش من کیستم؟ به نظر مید مجموعه‌ی ویژگی‌هایی که فرد برای خود برمی‌شمارد. در تعامل با دیگران و در سطح جامعه شکل می‌گیرد. با یادگیری زبان و در مراحل مختلف اجتماعی شدن، هویت فرد یا تصور او درباره خودش شکل می‌گیرد و ساخته می‌شود (ریترز، ۱۳۷۷: ۲۷۹).

ریچارد جنکینز با الهام از مید، گافمن و بارث، معتقد است برای درک و فهم هویت فردی و هویت اجتماعی، می‌توان از یک الگوی هویت‌شناسی واحد استفاده کرد. در این الگو، هویت دارای دو وجه بیرونی و درونی است که پیوسته با یکدیگر در تعامل‌اند. هویت فردی مبتنی بر تفاوت و تمایز میان افراد است و جایگاه فرد را در رده‌بندی‌ها نمایان می‌سازد و هویت اجتماعی نشان‌دهنده تشابهات است و به تعریفی که فرد براساس تعلق به یک گروه یا رده اجتماعی از خودش می‌کند، اطلاق می‌شود. با این حال هویت فردی به شدت از هویت یا هویت‌های اجتماعی فرد تأثیر می‌گیرد. به اعتقاد جنکینز تعاملی دوسویه میان هویت و زندگی اجتماعی جریان دارد. از سویی هویت، شرط لازم برای زندگی اجتماعی اسب و از سویی دیگر در جریان زندگی اجتماعی شکل می‌گیرد، تغییر می‌کند و بازسازی می‌شود (جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۵). آنتونی گیدنز بر نقش فرد در تشکیل هویت تأکید کرده و هویت را آگاهی فرد نسبت به خودش می‌داند. برداشتی که گیدنز از هویت دارد به برداشت کان از هویت نزدیک است. در این برداشت از هویت هم ابعاد اجتماعی و هم ابعاد فردی لحاظ شده اما بر بعد فردی و نقشی که خود فرد در دنیای مدرن در شکل‌گیری و بازسازی هویت دارد و بر جنبه پویا و متغیر هویت تأکید بیشتری شده است.

دیدگاه فرهنگی

گیدنز جنبه‌های روانشناختی و چالش‌های هویتی را در دوران جدید مورد توجه و تحلیل قرار داده است و بازاندیشی در هویت را که در پرتو معیارها و ارزش‌های جدیدی که دائماً هم در حال تغییر است صورت می‌گیرد ویژگی دوران جدید و

نتیجه‌ی گسترش فناوری‌های اطلاعاتی، ارتباطاتی و جهانی شدن اقتصادی و فرهنگی می‌داند (گیدنز، ۱۳۷۸).

ابعاد هویت اجتماعی

هویت دینی

هویت دینی که به رابطه‌ی انسان با دین و نسبتی که با آن پیدا می‌کند اطلاق می‌شود. سنگ بنای هویت دینی تعهد و پایبندی است (شرفی، ۱۳۷۴: ۹۵). هویت دینی نشان‌دهنده احساس تعلق و تعهد به دین و جامعه‌ی دینی است. مهم‌ترین دستاوردهای هویت دینی پاسخ دادن به پرسش‌های بنیادی، جهت بخشیدن به زندگی، وحدت اعتقادی و معنا بخشیدن به جهان است (شرفی، ۱۳۷۴: ۹۹).

هویت خانوادگی

هویت خانوادگی را می‌توان تعیین نسبت میان جوان و خانواده و میزان تعلق او به خانواده دانست. عوامل متعددی در ایجاد و تقویت هویت خانوادگی نقش دارند از جمله مقبولیت، تکریم منزلت، تبادل عاطفی، مشورت و تفاهم با اعضای خانواده به ویژه با والدین (شرفی، ۱۳۷۴: ۶۳).

روش تحقیق

در این پژوهش از روش اسنادی کتابخانه‌ای و روش توصیفی همبستگی استفاده شده است، زیرا بنابر تعریف روش توصیفی روشی است که هدف تحقیق از انجام آن، توصیف عینی، واقعی و منظم خصوصیات یک موقعیت است.

فرضیه‌های تحقیق

۱. به نظر می‌رسد بین کارکردهای خانواده و بحران هویت رابطه معناداری وجود دارد.
۲. به نظر می‌رسد بین نوع روابط خانوادگی و بحران هویت رابطه معناداری وجود دارد.

۳. به نظر می رسد بین توانایی حل مشکلات خانوادگی و بحران هویت رابطه معناداری وجود دارد.

۴. به نظر می رسد بین میزان کنترل رفتار و بحران هویت رابطه معناداری وجود دارد.

۵. به نظر می رسد بین میزان آمیزش عاطفی و بحران هویت رابطه معناداری وجود دارد.

جامعه آماری

جامعه انتخاب شده در این تحقیق عبارت است از نوجوانان ساکن در منطقه یک شهرداری خمینی شهر.

حجم نمونه

حجم نمونه به تعداد ۳۵۰ نفر از نوجوانان این دو خیابان به صورت نمونه گیری تصادفی از طریق پرسشنامه و مصاحبه مورد تحقیق قرار گرفتند.

روش‌های آماری

متغیرهای مورد بررسی در دو سطح اسمی و ترتیبی اندازه گیری گردیده‌اند، روش تجربه و تحلیل داده‌های این پژوهش در دو سطح توصیفی، فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و سایر آماره‌ها است.

آزمون فرضیه‌ها

جدول شماره (۱): رابطه بین کارکردهای خانواده و بحران هویت

متغیر مورد بررسی	تعداد پاسخگویان	میانگین	انحراف استاندارد و میانگین	انحراف استاندارد
کارکردهای خانواده و بحران هویت	۳۵۰	۵/۲۱۳۹	۰/۶۵۲۸	٪۷۱

در جدول فوق مقدار آمار t و درجه‌ی آزادی این آزمون (df) و سطح معناداری و میانگین انحرافات و یک فاصله اطمینان ۹۵٪ برای میانگین انحرافات آمده است.

جدول آزمون t

متغیر مورد بررسی	مقدار آماری t	درجه آزادی	سطح معناداری
کارکردهای خانواده و بحران هویت	۱۸/۲۸۴	۳۴۹	۰/۰۰۰

با توجه به سطح معناداری ۰/۰۰۰ و مقایسه آن با مقدار خطای مجاز ۵٪ با اطمینان ۹۵٪ فرض H_0 رد می‌شود به عبارت دیگر بین کارکردهای خانواده و بحران هویت رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۲) رابطه بین نوع روابط خانوادگی و بحران هویت

متغیر مورد بررسی	تعداد پاسخگویان	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین
نوع روابط خانوادگی و بحران هویت	۳۵۰	۷/۲۵۶۱	۰/۵۲۳	٪۶۸

در جدول (۲) آمار توصیفی مقدار آماری t و درجه آزادی این آزمون (nl) و سطح معناداری و میانگین انحرافات و یک فاصله اطمینان ۹۵٪ برای میانگین انحرافات است.

جدول آزمون t

متغیر مورد بررسی	مقدار آماری t	درجه آزادی	سطح معناداری
نوع روابط خانوادگی و بحران هویت	۲۲/۲۷	۳۴۹	۰/۰۰۰

با توجه به سطح معناداری ۰/۰۰۰ و مقایسه آن با مقدار خطای مجاز ۵٪ با اطمینان ۹۵٪ فرض H_0 رد می‌شود و به عبارت دیگر بین نوع روابط خانوادگی و بحران هویت رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۳) رابطه بین توانایی حل مشکلات خانوادگی و بحران هویت

متغیر مورد بررسی	تعداد پاسخگویان	میانگین	انحراف استاندارد	انحراف استاندارد و میانگین
توانایی حل مشکلات خانوادگی و بحران هویت	۳۵۰	۷/۱۱۸	۰/۴۹۸	٪۷۲

در جدول (۳) آمار توصیفی مقدار آماره ی t و درجه آزادی این آزمون ($n-1$) و سطح معناداری و میانگین انحرافات و یک فاصله اطمینان ۹۵٪ برای میانگین انحرافات آمده.

جدول آزمون t

متغیر مورد بررسی	مقدار آماری t	درجه آزادی	سطح معناداری
توانایی حل مشکلات خانوادگی و بحران هویت	۳۱/۴۸۱	۳۴۹	۰/۰۰۰

با توجه به سطح معناداری ۰/۰۰ و مقایسه آن با مقدار خطای مجاز ۵٪ با اطمینان ۹۵٪ فرض H_0 رد می شود. به عبارت دیگر بین میزان توانایی حل مشکلات خانوادگی و بحران هویت رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۴) رابطه بین میزان کنترل رفتار و بحران هویت

متغیر مورد بررسی	تعداد پاسخگویان	میانگین	انحراف استاندارد	انحراف استاندارد و میانگین
میزان کنترل رفتار و بحران هویت	۳۵۰	۷/۲۱۹	۰/۰۰۳	۰/۶۷

در جدول ۴ آمار توصیفی مقدار آماری t و درجه ی آزادی این آزمون ($N1$) و سطح معناداری و میانگین انحرافات و یک فاصله اطمینان ۹۵٪ برای میانگین انحرافات است.

جدول آزمون t

متغیر مورد بررسی	مقدار آماری t	درجه آزادی	سطح معناداری
میزان کنترل رفتار و بحران هویت	۸/۲۸۴	۳۴۹	۰/۰۰۰

با توجه به سطح معناداری ۰/۰۰ و مقایسه آن با مقدار خطای مجاز ۵٪ با اطمینان ۹۵٪ فرض H_0 رد می شود، به عبارت دیگر بین میزان کنترل رفتار و بحران هویت رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۵) رابطه بین میزان آمیزش عاطفی و بحران هویت

متغیر مورد بررسی	تعداد پاسخگویان	میانگین	انحراف استاندارد	انحراف استاندارد و میانگین
میزان آمیزش عاطفی و بحران هویت	۳۵۰	۶/۴۶۱	۱/۰۶۷	۰/۵۶

در جدول ۶ آمار توصیفی مقدار آماری t و درجه آزادی این آزمون (NI) و سطح معناداری و میانگین انحرافات و یک فاصله اطمینان ۹۵٪ برای میانگین انحرافات آمده است.

جدول آزمون t

متغیر مورد بررسی	مقدار آماری t	درجه آزادی	سطح معناداری
میزان آمیزش عاطفی و بحران هویت	۱۱/۱۳۶	۳۴۹	۰/۱۶۳

با توجه به سطح معناداری ۰/۱۶۳ و مقایسه آن با مقدار خطای مجاز ۵٪ با اطمینان ۹۵٪ فرض H_0 اثبات می‌شود. به عبارت دیگر بین میزان آمیزش عاطفی و بحران هویت رابطه معناداری وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

فرضیه اول: از آن‌جا که با توجه به سطح معناداری ۰/۰۰۰ و مقایسه آن با مقدار خطای مجاز ۵٪ با اطمینان ۹۵٪ فرض H_0 رد می‌شود، لذا فرض صفر رد و فرض خلاف تأیید می‌گردد، به عبارت دیگر بین کارکردهای خانواده و بحران هویت رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: با توجه به سطح معناداری ۰/۰۰۰ و مقایسه آن با مقدار خطای مجاز ۵٪ با اطمینان ۹۵٪ فرض H_0 رد می‌شود، به عبارت دیگر بین نوع روابط خانوادگی و بحران هویت رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: با توجه به سطح معناداری ۰/۰۰ و مقایسه آن با مقدار خطای مجاز ۵٪ با اطمینان ۹۵٪ فرض H_0 رد می‌شود. به عبارت دیگر بین میزان توانایی حل مشکلات خانوادگی و بحران هویت رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: با توجه به سطح معناداری ۰/۰۰ و مقایسه آن با مقدار خطای مجاز ۵٪ با اطمینان ۹۵٪ فرض H_0 رد می‌شود، به عبارت دیگر بین میزان کنترل رفتار و بحران هویت رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه پنجم: با توجه به سطح معناداری ۰/۱۶۳ و مقایسه آن با مقدار خطای مجاز ۵٪ با اطمینان ۹۵٪ فرض H_0 اثبات می‌شود. به عبارت دیگر بین میزان آمیزش عاطفی و بحران هویت رابطه معناداری وجود ندارد.

منابع

- احدی، حسن و دیگران. (۱۳۸۰). **روان‌شناسی رشد**، تهران: نشر پردیس.
- احمدی، ا. (۱۳۷۹). **روان‌شناسی جوانان و نوجوانان**. خمینی شهر: نشر مشعل.
- بارکر، ف. (۱۳۷۵). **خانواده درمانی پایه**. مترجم: م. دهقانی. تهران: نشر رشد.
- بروس، کوئن، (۱۳۷۲). **درآمدی به جامعه‌شناسی**. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر فرهنگ معاصر.
- جنکینز، ریچارد، (۱۳۸۱). **هویت اجتماعی**، ترجمه تورج یاراحمدی. نشر شیرازه.
- ربانی، جعفر، (۱۳۸۱). **هویت ملی**. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- رمضان زاده زیدی و دیگران. (۱۳۷۹). **بررسی تأثیر آموزش خانواده در رشد اجتماعی، اخلاقی و تحصیلی فرزندان شاهد از دیدگاه همسران شاهد شهرستان ساری و قائمشهر**. پایان نامه مقطع کارشناسی، دانشگاه پیام نور، ساری.
- ریتزر، جورج. (۱۳۷۷). **نظریه‌های جامعه‌شناسی دوردنیای معاصر**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ریحان‌پور، ا.ع. (۱۳۸۲). **بررسی و مقایسه رضایت از ازدواج در بین زوجینی که کمتر از دو سال و بیشتر از پنج سال است که در شهر اصفهان ازدواج کرده**.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۰)، **فرهنگ واژگان علوم اجتماعی**. تهران: انتشارات

شرفی، محمدرضا. (۱۳۷۸). **خانواده متعادل**. تهران: نشر سازمان انجمن اولیا و مربیان.

شرفی، محمدرضا. (۱۳۸۱). **جوان و بحران هویت**، چاپ سوم، انتشارات سروش.

شرفی، محمدرضا. (۱۳۸۱). **پرسش‌های امروز جوانان**. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. دفتر انتشارات کمک آموزشی، وزارت آموزش و پرورش.

شفیعی، ک. (۱۳۷۹). **بررسی هویت شخصی و رابطه با آن فرهنگ خانواده-های ساکن در شهر اصفهان**.

صافی، ا. (۱۳۷۴). **خانواده متعادل**. تهران: نشر انجمن اولیا و مربیان.

طالبی، ف. (۱۳۷۵). **بررسی میزان رابطه بین ساخت خانواده و رشد اجتماعی دختران ۱۷ ساله شهرستان خمینی شهر**.

فروم، اریک، (۱۳۷۰). **جامعه سالم**، ترجمه: اکبر تبریزی، تهران: انتشارات بهجت.

قائمی، ع. (۱۳۷۶). **خانواده و مسائل همسران**. تهران: نشر امیری.

گولد، جولیوس و کولب، ویلیام. (۱۳۷۶). **فرهنگ عمومی اجتماعی**، ترجمه: گروهی. تهران: انتشارات مازیار.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷). **تجدد و تشخیص**. ترجمه: ناصر موفقیان. نشر نی.

لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۷۸). **روان‌شناسی رشد کاربردی و نوجوانی و جوانی**. جلد اول، سازمان ملی جوانان.

لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۷۹). **روان‌شناسی رشد**. تهران: انتشارات سمت.

مظفر، حسین. (۱۳۷۹). **فرهنگ و تربیت در آموزش و پرورش**، تهران: انتشارات مدرسه.

مور، استفن. (۱۳۷۶). **دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی**. ترجمه: مرتضی ثاقب فر. تهران: انتشارات ققنوس.

نادری، ع. (۱۳۷۹). **روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی**. تهران: نشر بدر.

همیلتون، پیتر، (۱۳۷۷)، **جامعه‌شناسی دین**، ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: انتشارات
تبیان.

Grotevant, HD, Cooper & Catherin, R, (1985), **Patterns of interaction in Family relationships and the development of identity explorotion in adolescence.** child development. Vol 59.special issua.415-428.

SID